

جلسه ۴۰-۷۵۳

شنبه - ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

- ۱..... اسماع زن نمازگزار لاجنبی
- ۲..... مناقشه در کلام آیه الله سیستانی در مقام
- ۷..... تمسک به صحیحہ علی بن جعفر بر حرمت اسماع صوت به اجنبی
- ۷..... اشکال
- ۷..... حکم قرائت زنی که امام جماعت شده
- ۸..... حکم قرائت زن در نمازهای اخفاتیہ
- ۹..... حکم قرائت زن جاهل به وجوب اخفات

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقيّة الله في الأرضين و اللعن على أعدائهم أجمعين.

### اسماع زن نمازگزار لاجنبی

بحث در مسأله ۲۵ عروه بود که صاحب عروه احتیاط کرد که زن اگر اجنبی صوتش را بشنود جهر نکند در قرائت نماز.

نوع محشین عروه هم حاشیه نزدند. و ظاهر این احتیاط، احتیاط وجوبی است چون مسبوق یا ملحق به فتوی نیست. جمعی از قدماء که قائل بودند به حرمت جهر در فرض سماع اجنبی، اصلاً معتقد بودند که زن نباید صدایش را به گوش اجنبی برساند. در کشف اللثام عبارت ذکری را که نقل می کند می گوید در ذکری شهید اول گفته: لو جهرت و سمعها الاجنبی فالاقرب فساد الصلاة لتحقق النهی فی العبادة. کشف اللثام جلد ۴ صفحه ۳۸. می گوید لاتفاق کلمة الاصحاب علی ان صوتها عورة يجب علیها اخفاءه من الاجانب و ان لم يساعده ظواهر الكتاب و السنة.

شهید ثانی در روضة البهية شرح لمعه جلد ۱ صفحه ۶۰۰ می گوید: حالا اگر خنثی بود در نماز صبح چه بکند؟ می گوید اگر زن است در فرض سماع اجنبی باید اخفاتا بخواند، اگر مرد است باید جهرا بخواند، خب این خنثی مشکل چه بکند بیچاره؟ ایشان می گوید: اگر می تواند برود جایی که اجنبی نباشد، برود آنجا و جهرا بخواند علی الاحوط، ولی اگر نمی تواند کاری بکند، هر جا برود نماز بخواند یک اجنبی هست، تعین الاخفات، باید اخفاتا نماز بخواند. یعنی مقدم کرده حتی احتمال حرمت اسماع اجنبی را بر زن بر وجوب جهر بر مرد در مورد خنثی چون علم اجمالی هست که یا بر من جهر واجب است اگر مرد باشم یا در فرض سماع اجنبی اخفات واجب است و یا به تعبیر دیگر جهر حرام است. حالا این علم اجمالی کلا هست، خنثی بطور کلی علم اجمالی دارد یا تکالیف رجال بر او

هست یا تکالیف نساء و لذا باید احتیاط بکند. اما جایی که متمکن از احتیاط نیست مثل این جا که هر کجا برود اجنبی هست، احتمال حرمت جهر را بر او اگر زن باشد مقدم کرده. حالا شاید می گوید دفع المفسدة اولی من جلب المنفعة.

[سؤال: ... جواب:] فی علم الله یا مرد است جهر بر او واجب است، یا زن است در فرض سماع اجنبی جهر حرام است و اخفات واجب است. ... تشکیک در اطلاق دلیل وجوب جهر ممکن است، این هم احتمالش هست. ... المرأة تتخیر بینة و بین الاخفات اذا لم یسمعها من یحرم استماع صوتها. در فرضی که اجنبی نباشد در نماز صبح مثلا مخیر است زن بین جهر و اخفات. حالا که اجنبی هست و نمی تواند از او دور بشود این جا اگر زن بود که می گفتیم باید اخفات بخواند، از تخیر استفاده نکند، اما فرض این است که خنثی است، مشکل است، علم اجمالی دارد که یا زن است تکالیف زنان بر او است، یا مرد است تکالیف مردان بر او است، چه کند؟ ایشان حرمت اسماع اجنبی را مقدم کرده بر وجوب جهر اگر مرد باشد.

در مفاتیح، فیض کاشانی می گوید: و اشتراط تحریم اسماعهن بخوف الفتنة غیر بعید. بعید نیست بگوئیم در فرض خوف فتنه اسماع اجنبی حرام است. سماع خود اجنبی که قطعاً مطلقاً حرام نیست، فوqش بر زن بگوئیم حرام است اسماع اما مرد سماعش حرام نیست مگر خوف فتنه باشد. ما عرض کردیم اولاً: خلاف سیره قطعیه است این که بگوئیم زن صدایش را از اجنبی باید بیوشاند و هیچ دلیلی بر آن نداریم.

### مناقشه در کلام آیه الله سیستانی در مقام

و اینی هم که آقای سیستانی در تقریرات فرمودند اذا كان مع التلذذ و الريبة یحرم الاسماع، در تعلیقه عروه فرمودند لو كان موجبا للريبة، این هم برای ما روشن نیست. اگر قصد زن این است که اجنبی تحریک بشود قطعاً حرام است. ولی باز ما مبطل نماز نمی دانیم. اصلاً زنی می زند زیر آواز قصدش هم فرض کنید تحریک اجنبی است، اگر ترکیب اتحادی بود بین جهر یا بین اصل قرائت، چون این متعمد هست به نظر ما قرائتش باطل می شد. البته آقای سیستانی می گویند در ترکیب اتحادی هم ما معتقدیم اطاع و عصی، در ترکیب اتحادی در اجتماع امر و نهی و لو فعل واحد است، اطاع از حیث این که قرائت را انجام داد، عصی از حیث این که قرائت را در ضمن این فرد محرم اتیان کرد. ما می گوئیم: نه، عالم عامد را ما نمی گوئیم هم اطاع و هم عصی. در عبادات عملی که مبعذ از مولی است صلاحیت مقربیت الی المولی ندارد. ولی اگر ترکیب انضمامی بود که به نظر ما وفاقاً للمحقق النائینی ترکیب بین صوت که قرائت است و جهر در صوت ترکیب انضمامی است عرفاً، و لو محقق همدانی، آقای بروجردی، آقای سیستانی اصرار دارند که ترکیب اتحادی است، یک وجود است در خارج که هم صوت است هم جهر به صوت. ما می گوئیم عرفاً این طور نیست، مردی به زنش می گوید صدا بزن بچه را که نرود طرف حوض، آن خانم هم داد می کشد به جوری که ده تا همسایه آن طرف تر می شوند، این

مرد می گوید گفتم صدا بز چرا داد زدی؟ آن صدا زدنت بسیار بجا بود اما این داد زدنت چی بود. دو چیز می بیند عرف. صوت، حرف زدن، تکلم کردن، و این عرض تکلم که داد زدن است، این ها عرفا دو چیز هستند. حالا مهم نیست.

ما در اساس این مطلب که اگر موجب ریه باشد که آقای سیستانی فرمودند حرام می شود جهر زن در صوت اگر موجب ریه باشد، مناقشه داریم. عرض کردم اگر به قصد تحریک دیگران است حرام است اما اگر به قصد تحریک دیگران نیست خوف وقوع در حرام است، به چه دلیل حرام می شود؟ من می آیم درس می خوانم، خوف دارم که یک عده ای پشت سرم حرف بزنند، حسادت کنند، غیبت کنند، من یک کاری بکنم، من می روم نماز شب می خوانم و خوف دارم که برخی از دوستان یا دشمنان دوست ما بنشینند بگویند این چقدر ریاکار است، این به نماز شبش نگاه نکنید، به کارهای دیگرش هم نگاه کنید، شروع کنند غیبت کردن، این حرام است؟ حرام نیست. پس این زن اگر به خیابان بیاید خوف دارد که به او نظر شهوت آمیز بکنند این حرام است؟ به من چه ربطی دارد؟

آقای زنجانی آن روز از ایشان نقل کردیم که گفتند اگر زن زیبا بداند بیاید بیرون نامحرم با چشم بد به او نگاه می کنند حرام است، نقل کردند که و لو یک زمانی این را فرموده بودند ولی نقل کردند فتوی ایشان این است که اگر زیبایی مفروطی دارد، از مذاق شارع بدست می آوریم که با پوشیه بیرون بیاید. آن هم وجهش را ما نمی فهمیم مگر موجب بشود نظام مجتمع بهم بریزد!! آن دیگر حفظ نظام می شود. حضرت یوسف هم خیلی زیبا بود آمد در آن مجلس، حالا مجبور بود یا نبود نمی دانیم در آن مجلس آمد که فقطعن ایدیهن و قلن حاش لله ما هذا بشر ان هذا الا ملک کریم. البته ایشان در زنی می گوید که زیبایی مفروط دارد. بعضی که این را گفتند. در عروه هست که اگر زنی بداند اگر بیرون بیاید دیگران به او نگاه بد می کنند واجب است که خود را پوشاند، وجهش را پوشاند، بزرگانی حاشیه زدند گفتند چه وجوبی دارد؟ علم به وقوع دیگران در حرام است، اما لازم نیست ستر.

[سؤال: ... جواب:] خوف وقوع در حرام است. تسبیب به این معنا نیست که ایجاد موضوع بکنید برای فعل حرام و الا پدر فرزنددار می شود و می داند این فرزندش امام معصوم که نیست بالاخره گناه خواهد کرد، آیا بگوییم تسبیب الی الحرام است؟ این که نیست. تسبیب الی الحرام یعنی اراده مرتکب حرام مقهور این سبب هست، مثل این که غذای نجس را بگذاری جلوی طرف او ندارد که نجس است، او مهمان شماست، وقتی غذای نجس را می گذاری جلوی او او نمی داند نجس است می خورد به این می گویند تسبیب که اراده مهمان مقهور عرفی این تقدیم الطعام است به او. این را می گویند تسبیب.

[سؤال: ... جواب:] اگر این شخص این کار را نکند او مرتکب حرام نمی شود، این می شود منع عن المنکر. آیا مطلقا واجب است منع عن المنکر؟ اعانت بر اثم در جایی که اگر من اعانت نکنم او مرتکب اثم نمی تواند بشود، این بعید نیست حرام باشد، آقای سیستانی هم احتیاط واجب می کند، اما این اعانت بر اثم است نه ایجاد موضوعش، این زن که اعانت بر اثم نمی کند، ایجاد موضوع دارد می کند. ... به

۴ ..... مسائل

چه دلیل واجب است. مگر انسان کاری بکند که دیگران نتوانند منکر را مرتکب بشوند واجب است؟ ... تسبیب که اراده مباشر ارتکاب حرام مقهور اراده سبب است مثل همان مثال تقدیم الطعام الی زید بدون این که به او بگوید این طعام نجس است، او حرام است، اعانت بر اثم هم اگر من اعانت کنم او مرتکب حرام نمی تواند بشود، کس دیگری نیست که او را کمک کند، او بعید نیست از فحوی ادله نهی از منکر استفاده کنیم حرمتش را اما من دارم کار خودم را می کنم عرف نمی گوید تو اعانت کردی. و الا لازمه اش این است که مردان زیبا هم نروند جاهایی که زنانی هستند که نگاه بد می کنند، همان طور که مرد علاقه دارد به زن زیبا نگاه کند لولا نهی شرع. به قول آقای زنجانی یکی گفته بود آدم از این صحنه ها بدش می آید ایشان گفته نه، چرا بدش بیاید؟ حالا شرع مقدس گفته نگاه نکن و الا چرا آدم بدش بیاید!! حالا همان طوری که مرد بدش نمی آید به زیاروی نگاه بکند زن هم همین جور است. پس شما بگویید مردان زیاروی هم سعی کنند خیابان نروند چون یک عده از زنان به این ها نگاه می کنند می گویند عجب جوان زیبایی!.

[سؤال: ... جواب:] پوشیه زدن که حرام نیست، پوشیه بزند جوان ها نگاهش نکنند. قدیم مگر تا پنجاه شصت سال قبل زن ها پوشیه نمی زدند؟ اگر این جور که شما می گوید پوشیه بزند. ... با علم به این که مردها به او نگاه می کنند، نگاه حرامی می کنند باز سیره بوده؟ واقعا این روشن نیست. ما می گوئیم دلیل نداریم بر وجوب ستر در این مورد. این جا هم دلیل نداریم بر این که زن حتما باید حرف نزند در جایی که علم دارد به این که مرد دنبال حرام می افتد تا چه برسد به این که خوف وقوع در حرام باشد. اگر مراد خوف وقوع خود زن است در حرام این یک بحثی است صاحب عروه هم مطرح کرده در مسأله ۲۳ از کتاب النکاح، بحث نظر. می گوید جایز است نظر به کفار، روایت داریم لاحرمه لנساء اهل الذمة ينظر الی وجوهن و ایدیهن، اما قید می زند می گوید به شرط این که ریه نباشد، بعد می گوید ای خوف الوقوع فی الحرام. می گوئیم: دلیل چیست؟ اگر یک شخصی خوف دارد نگاه بکند به این زن کافره که بدون قصد شهوت نگاه می کند، اما خوف دارد اگر امروز نگاه بکند دیگر دلش ممکن است برود به آن سمت، فردا دیگر نتواند خودش را نگاه بدارد، فردا نظر بشهوة بکند، پس فردا لمس بشهوة بکند و هلم جرا، می گوئیم به چه دلیل خوف وقوع در حرام موجب حرمت فعل می شود؟

آقای خوئی فرموده ما در خوف وقوع در زنا دلیل داریم. موسوعه جلد ۳۲ صفحه ۲۷. اما بالنسبة الی اعتبار عدم الریة فیمكن التمسک فیہ بقوله تعالی و الذین لفروجهم حافظون. حفظ یعنی اهتمام به شیء، حفظ الفرج من الزنا واجب است نه فقط زنا حرام است، کاری بکنید که خوف دارید به زنا بیفتید حرام است، چون خلاف حفظ الفرج من الزنا است. و الا جاهای دیگر هم بگویید من اگر بروم فلان مجلس غیبت بکنم. آقا برو فلان مجلس غیبت هم نکن. فتحعلی شاه به میرزای قمی گفت یا نامه نوشت من روزه که می گیرم عصبانی می شوم یک وقت حکم به قتل یکی می دهم، ایشان هم نوشت شاه روزه بگیرد

قرائت ..... ۵

عصبانی هم نشود. برو فلان مجلس غیبت هم نکن، خوف وقوع در حرام موجب حرمت ذهاب به آن مجلس نمی شود. بله در خصوص زنا، آقای خوئی فرمودند دلیل داریم.

بله، اگر ما به ما بگویند حرام است شما خواب بروید، (خوب دقت کنید!) مقتضای قاعده اشتغال این است که کاری نکنم خوف دارم خوابم ببرد، ولی استصحاب استقبالی وارد بر این قاعده اشتغال است. استصحاب استقبالی آنی که قبول دارد، اگر قبول ندارید خوش به حال تان، آنی که قبول دارد استصحاب استقبالی را می گوید من استصحاب می کنم خواب نخواهم رفت. بله برائت جاری نمی شود، برائت از چی می خواهید جاری کنید، شارع گفته خواب نرو برائت از حرمت نوم می خواهی جاری کنی؟ برائت ندارد، برائت نداریم درست است. فرق می کند با این که گفتند لاتشرب النجس برائت جاری می کنیم از حرمت شرب این آب چون شک داریم نجس است، برائت از حرمت شرب این آب مشکوک النجاسة جاری کردن عیب ندارد چون حکم زایدی است، مشکوک است این حکم. اما حرام است خواب، حکمش که مشکوک نیست، نمی دانم من دراز بکشم خوابم می برد یا نه، این برائت ندارد، برائت از چی می خواهی جای کنی؟ برائت از حرمت دراز کشیدن که دراز کشیدن حرام نیست، برائت از حرمت خواب، خواب که یقیناً حرام است. ولی استصحاب استقبالی عدم حصول النوم [جاری است]. این مثل این است که استصحاب شما می کنید بقاء وضوء را، کافی است برای احراز امتثال، این جا هم استصحاب استقبالی می کنید عدم حصول نوم در مستقبل را، کافی است در احراز امتثال تعبداً. این جا هم همین جور است، استصحاب می کند بعد از این که این کار را کرد در حرام نخواهد افتاد.

علاوه بر این که گاهی اختیاری است در حرام افتادن، اختیار خودت است بعد از این هم که این کار را کردی می توانی حرام را مرتکب نشوی خودت سست عنصری می کنی، آن جا که دیگر اصلاً قاعده اشتغال هم نمی آید چون قاعده اشتغال می گوید بعداً سست عنصر نباشد حرام را مرتکب نشو. البته قاعده اشتغال همین این جا نمی گوید این کار را نکن، چون این که را بکنی مساوق با ارتکاب حرام نیست، فقط خوف داری یک وقت ضعف نفس پیدا کنی و به اختیار خودت آن حرام را مرتکب بشوی قاعده اشتغال می گوید هر وقت ضعف نفس داری آن وقت به شما می گویند اگر این کار را مرتکب بشوی می روی جهنم، قاعده اشتغال بیشتر از این نمی گوید.

[سؤال: ... جواب:] اگر بگویند یحرم النوم، استصحاب استقبالی را هم قبول نداری، دراز بکشی می گویی شاید خوابم ببرد اگر خوابت ببرد خلاف قاعده اشتغال است، آن وقت بعد از این که بیدارت می کنند بلند شو بلند شو، می بینی ملائکه هستند، چیه؟ ما آمدیم آن دنیا؟ می گویند در همین خواب آمدی در آن دنیا، ولی بخاطر همین خوابت باید حساب پس بدهی.

[سؤال: ... جواب:] این که آقای سیستانی فرمودند اذا كان الاسماع محرماً كما لو كان موجبا لریة، با این تقریبی که ما گفتیم، ما که نمی دانیم دلیل آقای سیستانی چیست، شاید دلیل آقای سیستانی این

۶ ..... مسائل

است که کل فعل یخاف منه من الوقوع فی الحرام حرام، مثل همان کل فعل یخاف منه من الوقوع فی الزنا حرام که آقای خوئی گفت، ولی ما عرض مان این است که دلیل نداریم بر حرمت این فعل، حتی اگر قاعده اشتغال هم بگوید نباید این فعل را مرتکب بشوی، عقلت می گوید شاید این فعل را مرتکب بشوی بعد به حرام بیفتی. ولی دو تا حکم نداریم، دو تا حرمت نداریم، یک حرمت مان حرام بعدی، یک حرمت ارتکاب این فعلی که موجب خوف وقوع در حرام است.

[سؤال: ... جواب:] در این نگاه اول برائت جاری می کند از حرمت این نگاه چون شک دارد در اتصافش به مقرون بودن به شهوت. مگر این شبهه مصداقیه نیست؟ برائت جاری می کند از حرمت این نظر.

البته حرف ما خیلی از نظر تربیتی خوب نیست، بهتر این است که همین را آقایان بگویند: کاری که خوف وقوع در حرام هست انجام نشود، و الا جوان می آید این داستان های غیر اخلاقی را می خواند، می گوید آقای سیستمی گفته فیلم هایش حرام است دیدنش، داستان هایش را نگفته حرام است گفته اشکال ندارد، خوف وقوع در حرام می گوید نداشته باشی، آن را هم که فلانی زیرآبش را زد پس برویم بخوانیم. شروع می کند این داستان ها را خواندن یک وقت می بیند چیزهایی پیش آمد که نباید بیاید. و لذا مقتضای رعایت تربیت اخلاقی مردم این است که احتیاط بکند آدم در این موارد.

[سؤال: ... جواب:] اگر بعدا اراده دارد حرام را مرتکب بشود منتها وسوسه نفسش زیاد شده آن موقع قاعده اشتغال می گوید مرتکب نشو و اگر احتمال بدهد به حدی برسد که مسلوب الارادة باشد استصحاب استقبالی می گوید لایصدر منك الحرام، عقاب هم نمی شود. حالا شما دنبال عقاب کردن جوان های مردم هستید؟ ... من در این موارد صناعی دارم بحث می کنم، یک وقت فکر نکنید، ما هم پایش برسد [شاید فتوی به حرمت بدهیم]، بعضی از چیزها دنبال دلیلش می گردیم، یک مقدار دلیل پیدا کردن برایش سخت است، اما هیچ کس فتوی به جواز نمی دهد. مثل تقلب در امتحان که علماء گیر کردند به چه دلیل حرام است. گرچه در دلیل هایش بحث می کنند، اما آیا کسی را دیدید فتوی بدهد تقلب در امتحان جایز است؟ ما دنبال دلیلش هستیم.

[سؤال: ... جواب:] این که در روایت داریم حضرت امیرالمؤمنین سلام الله علیه به زن های جوان می فرمودند سلام نمی کنم اما پیامبر سلام می کرد، من جوانم هستم می ترسم تحریک بشوم، این دلیل بر حرمت این فعل که نیست، دلیل نیست که این فعل حرام است، حضرت رعایت می کرد. اتفاقا این که پیغمبر سلام می داد حتی به زن های جوان، در این روایت مسعدة بن صدقة است از امیرالمؤمنین نقل کرده لاتبدأ النساء بالسلام احتمالا مقصود این است که یعنی شما مردم که خلاصه زمینه وسوسه در شما هست و الا پیغمبر به زن های جوان سلام می کرد.

### تمسک به صحیحہ علی بن جعفر بر حرمت اسماع صوت به اجنبی

راجع به حرمت اسماع صوت به اجنبی بعضی‌ها گفتند روایت صحیحہ علی بن یقطین هست می‌شود تمسک کرد برای عدم حرمت. صحیحہ علی بن یقطین وسائل جلد ۶ صفحه ۹۵: سألتہ عن المرأة تأم النساء ما حد رفع صوتها بالقراءة و التكبير؟ فقال بقدر ما تسمع. زنی امام جماعت زن‌ها است، می‌گوید: چقدر صدایش را بلند بکند به قرائت و تکبیر، حضرت می‌فرماید بقدر ما تسمع، به قدر این که بشنوند به قدر این که اسماع کند به دیگران. گفتند معمولاً در معرض این است که مرد اجنبی رد بشود او سماع بکند.

صاحب حدائق گفته: شاید این عبارت این باشد که بقدر ما تسمع، به آن مقدار که خودش بشنود. واقعاً عجیب است، صاحب حدائق فهم عرفیش خوب بوده، روایت می‌گوید ما حد رفع صوتها، چقدر رفع صوت کند، صاحب حدائق می‌گوید امام جواب داد به قدری که خودش بشنود، خودش بشنود که رفع صوت نیست. این خلاف ظاهر است بخواهد بقدر ما تسمع بگوید لاترفع صوته، و الا می‌فرمود لاترفع صوتها.

[سؤال: ... جواب:] ما حد رفع صوتها اگر بناء بود اصل رفع صوت ایراد داشته باشد و فقط بقدر ما تسمع نفسها صوتها باشد این عرفی نیست. امام باید می‌فرمود لاترفع صوتها، تو از حدش سؤال می‌کنی من بگویم لاترفع صوتها، این عرفی نیست. ... اگر حضرت می‌خواست جواب بدهد که لاترفع صوتها بگویند ما حد رفع صوتها بالقراءة حضرت بفرماید بقدر ما تسمع، به قدری که خودش بشنود، خودش بشنود که دیگر رفع صوت نیست، می‌گویند این طرز حرف زدن نیست، عرفی این جور صحبت نمی‌کنند. پس این بقدر ما تسمع است یا بقدر ما تُسمع است، اسماع است نه سماع.

### اشکال

ولی من عرضم این است که این روایات چه دلیلی می‌شود؟ مگر نذر کرده بودند این زن‌ها نماز جماعت‌شان را کنار مغازه سوپری بخوانند؟ می‌رفتند در خانه‌ای، صلاة المرأة فی بیتها، در یک خانه‌ای نماز می‌خواندند امام جماعت هم هم می‌شدند، کجا فرض شده اجنبی سماع صوت می‌کند؟ حالا فوقش در معرض است، مگر در معرض بودن حتماً موجب حرمت می‌شود؟ آنی که موجب حرمت بناء بر نظر مشهور می‌شود علم به سماع اجنبی است.

[سؤال: ... جواب:] حیثی است. المرأة تأم النساء ما حد رفع صوتها بالقراءة، حد رفع صوتش چیست، اما این که اسماع للاجنبی اگر شد حکمش چیه که او یک بحث دیگری است، راجع به او اصلاً بحث نکرده.

### حکم قرائت زنی که امام جماعت شده

آخرین مطلب را هم این‌جا عرض کنم:

۸ ..... مسائل

در نماز جهریه بعضی‌ها گفتند اگر زن امام جماعت بشود جهرا باید بخواند، دلیل‌شان هم آن روایت علی بن جعفر است که جلسات قبل خواندیم، هل علیهن الجهر بالقراءة فی الفریضة قال لا الا ان تكون امرأة تام النساء فتجهر بقدر ما تسمع قراءتها. وسائل جلد ۶ صفحه ۹۵. می‌گویند ظاهر فتجهر بقدر ما تسمع قراءتها یعنی علیهن، گفت علیهن الجهر بالقراءة قال لا الا ان تكون امرأة تام النساء، جهر بر زن واجب نیست الا در این فرض.

انصافا دلالت خوب است. سندش قبلا بحث کردیم در قرب الاسناد عبدالله بن الحسن نقل می‌کند که توثیق ندارد و لکن در کتاب مسائل علی بن جعفر ظاهرا از نسخه‌ای که به عمرکی می‌رسد نقل شده. این را باید بیشتر بررسی کرد اگر اطمینان پیدا کنیم که در کتاب علی بن جعفر بوده سندش هم درست می‌شود.

[سؤال: ... جواب:] گفتیم زن می‌تواند پیش اجنبی جهرا بخواند نماز صبحش را مثلا، خنثی هم می‌تواند. اگر مقصود وجوب جهر است، بله، خنثی بناء بر این که طبیعت ثالثه نیست، خلافا للسیّد الزنجانی که می‌گوید خنثی طبیعت ثالثه است نه مرد است نه زن، بناء بر نظر مشهور که یا مرد است یا زن، علم اجمالی دارد که یا مرد است احکام مرد را دارد یا زن است احکام زن را دارد پس می‌داند یا نماز صبح اگر مرد است جهر بر او واجب است و اگر زن است واجب است ستر جسد بکند از اجانب. اگر مرد است حکم مرد را دارد جهر در نماز صبح، اگر زن است حکم زنان را دارد ستر از اجانب. مگر شما بگویید لایدری صدق می‌کند که می‌گفت تمت صلاته، که ما می‌گوییم: نه، لایدری اطراف علم اجمالی را نمی‌گیرد. اگر مثل آقای تبریزی بگویید لایدری اطراف علم اجمالی را می‌گیرد منحل می‌شود علم اجمالی، از لایدری بودن که خارج نمی‌شود، خنثی است لایدری، اگر مرد است جهر بر او واجب است، اگر زن است واجب نیست، می‌شود لایدری دیگر.

[سؤال: ... جواب:] یا مرد است جهر واجب است در قرائت نماز صبح یا زن است واجب است چادر سر کند پیش نامحرم.

### حکم قرائت زن در نمازهای اخفاتیه

اما راجع به نمازهای اخفاتیه مثل نماز ظهر و عصر، مشهور گفتند يجب علیهن الاخفات کالرجال، محقق اردبیلی، مرحوم سبزواری در ذخیره المعاد، سید صاحب ریاض گفتند به چه دلیل؟ نماز ظهرش را زن در جایی که نامحرم نیست، البته ما گفتیم نامحرم هم باشد عیب ندارد، نماز ظهرش را جهرا می‌خواند می‌گویند این چه شکلی است، ما مردها نماز ظهرمان را اخفاتا می‌خوانیم تو جهرا می‌خوانی. می‌گویند ما بحث کردیم، دلیل بر وجوب اخفات در نماز ظهر و عصر چیست؟ بفرمایید! ما هیچی پیدا نمی‌کنیم، می‌گوییم یک صحیحه زراره‌ای بود. می‌گوید مرد حسابی! او موضوعش رجل است، رجل اجهر بالقراءة فیما لاینبغی الجهر فیه، ما که رجل نیستیم. و لذا مقتضای اصل تخییر بین جهر و اخفات است حتی در نماز ظهر و عصر.



این جا تنها توجیه این است که بگوییم این از مواردی است که عرف الغاء خصوصیت می کند و حمل بر مثالیت می کند. جهر نکردن زن در نماز مغرب و عشاء و صبح احتمال خصوصیت دارد ولی این که مرد باید اخفات کند بعد بگوییم شاید زن لازم نباشد اخفات کند این خلاف متفاهم عرفی است. مثل همان رجل شک بین الثلاث و الاربع می شود که اگر بگویی شاید مرد این حکم را داشته باشد زن نداشته باشد خلاف مرتکز است، خلاف ظهور لفظ رجل در مثالیت است، این جا هم همین را می گوییم.

[سؤال: ... جواب:] نماز ظهر را به مرد گفتند که باید چون رجل جهر بالقراءة فیما لاینبغی الجهر فیه یعنی نماز ظهر و عصر بعد بگوییم این مربوط به رجل است اما زن این حکم را ندارد، این عرفی به نظر نمی آید. ... جهر در نماز صبح بر مرد احتمال خصوصیت دارد، اما اخفات در نماز ظهر و عصر بر مرد احتمال خصوصیت عرفیه ندارد. چون زن را چرا می گوید احتمال خصوصیت دارد می گوید چون شبهه این است که صوت المرأة عورة فیجب اخفاءها، این است نکته احتمال فرق. این نکته در نماز اخفاتیه نمی آید.

### حکم قرائت زن جاهل به وجوب اخفات

این مسأله تمام شد. و یعذر فیما یعذرون فیه. همان اجهر فی موضع الاخفات و هو لایدری تمت صلاته راجع به زن هم می آید. هم الغاء خصوصیت عرفیه می شود هم دلیل وجوبش از اول با الغاء خصوصیت بود، دلیل وجوب اخفات در نماز ظهر و عصر بر زن از باب الغاء خصوصیت عرفیه بود پس تتمه اش هم لواحقش هم از همین باب الغاء خصوصیت است. و لذا من اجهر فی موضوع الاخفات و هو لایدری معذور است چه مرد باشد چه زن.

این راجع به کل این مسأله. ان شاء الله وارد مسأله بعدی می شویم.  
و الحمد لله رب العالمین.